



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۸ بهمن ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۲

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- ادله لزوم حجاب زن - دلیل اول: آیات - آیه سوم: آیه «ولایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها»

بررسی کلام محقق خویی - اشکال اول

جلسه: ۷۷

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

محصل کلام محقق خویی

تقریباً اکثر مطالبی که در مورد بخش اول از آیه ۳۱ سوره نور لازم بود طرح شود، مطرح کردیم و به کلام و سخن مرحوم آقای خویی رسیدیم؛ سخن ایشان را هم متعرض شدیم. محصل فرمایش ایشان هم این شد که از این آیه دو حکم استفاده می‌شود؛ یکی وجوب الستر علی المرأة و دیگری حرمة الاظهار للغير، و این را با استناد به کلمه ابداء و اینکه ابداء اگر بدون لام بیاید به معنای مقابل ستر است و اگر با لام بیاید به معنای مقابل اعلام و ارائه است.

بعد اشاره‌ای به برخی روایات به عنوان مؤید کلام ایشان شده که از جمله این روایات یکی معتبره ابی بصیر است و یکی هم صحیحه فضیل. یکی از این دو روایت را ایشان مؤید این قرار داد که اگر احتمال وجود ناظر باشد و یقین به آن نباشد، آنجا ظاهر بودن آن قسمت از بدن اشکالی ندارد. صحیحه فضیل را هم به عنوان مؤید آن بخش دیگر و حکم دیگر قرار داد که ابداء آن زینت‌ها و مواضع برای غیر آن دوازده گروه جایز نیست.

به هر حال کآن آنچه مرحوم آقای خویی فرموده‌اند یک تفصیلی در مسأله است که اگر جایی احتمال وجود ناظر باشد، لایجوز کشف البدن الا الوجه و کفین یا به تعبیر دیگر يجب الستر علی المرأة الا فی الوجه و الکفین. آنجایی که یقین به وجود ناظر دارد و مطمئن است که کسی او را می‌بیند، آنجا یحرم علیه الاظهار و الابداء؛ آن مواضع زینت را باید مخفی کند حتی الوجه و الکفین الا برای آن دوازده گروهی که در ادامه به آن اشاره شده است.

البته مرحوم آقای خویی بعد به صاحب جواهر هم اشکال می‌کند که صاحب جواهر که قائل به جواز نظر به وجه و کفین شده و به صحیحه فضیل استناد کرده و می‌گوید: ایشان گمان کرده که صحیحه فضیل در مقام تفسیر «لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها» است، در حالی که صحیحه فضیل در مقام تفسیر «لایبیدن زینتهن الا لبعولتهن» است و فرق می‌کند که ما به این صحیحه در چه مقامی استناد کنیم؛ وی به صاحب جواهر اشکال می‌کند که اصلاً این روایت در مقام تفسیر آن جمله نیست؛ یعنی «لایبیدن زینتهن الا ما ظهر منها» مقصود نیست بلکه این مربوط به جمله دیگر است. این محصل فرمایشی بود که از مرحوم آقای خویی ذکر کردیم.

بررسی کلام محقق خویی

اشکال اول

مرحوم آقای خویی فرمود با ملاحظه روایات معلوم می‌شود زینت در اینجا به معنای مواضع الزینة است نه ما تتزین به المرأة؛ ایشان فرمود: تارة فی نفسها معنای آیه را می‌خواهیم ملاحظه کنیم و اخیری با ملاحظه روایات و نصوصی که در ذیل این آیه

وارد شده است. آن وقت فرمود فی نفسها و بدون روایات، زینت به معنای ما تتزین به المرأة است؛ اما با ملاحظه روایات معلوم می‌شود زینت به معنای مواضع الزینة است. عرض ما این بود که در روایات این چنین نیست. روایاتی که اینجا وارد شده را می‌خوانم. این روایات همانطور که قبلاً هم اشاره شد هم در آن زینت به معنای ما تتزین به المرأة و هم به معنای مواضع الزینة آمده ولی سند آن روایاتی که به معنای مواضع الزینة آمده ولی در مقایسه با این روایاتی که در آنها زینت تفسیر شده به زینت‌های ظاهری و زیورآلات، این کاملاً نشان می‌دهد که مسأله آنطور که آقای خوبی فرموده‌اند که روایات صریح است در اینکه معنا عبارت است از مواضع الزینة، اینطور نیست.

روایت اول

«عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا قَالَ الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ».^۱ این روایت در ذیل این آیه آمده و با توجه به اینکه سؤال از ما ظاهر منها است، یعنی ما ظهر من الزینة؛ آن وقت امام (ع) می‌فرماید زینت ظاهره عبارت است از سرمه و انگشتر. اینها همه زینت‌های عرضی است و کاری به مواضع زینت ندارد؛ بدین معنا که معنای آیه این است. اینکه حالا از این اراده جدی شده، بحث دیگری است که ما هم گفتیم بالملازمة دلالت بر مواضع زینت می‌کند نه مجازاً؛ اگر بخواهیم این را تنظیر کنیم می‌شود مثل اراده استعمالی و اراده جدی. شما در جایی که یک لفظی به کار می‌رود، می‌گویید مراد استعمالی آن است و مراد جدی این است؛ مخصوصاً در بحث عام و خاص این مسأله مطرح می‌شود. آنجایی که بین اراده استعمالی و اراده جدی فرق است، شما آنجا ادعا می‌کنید مجاز است؟ کسی نمی‌گوید مجاز است؛ حساب مجاز فرق می‌کند؛ استعمال لفظ و اراده غیر ما وضع له شود. حالا تعریف‌های مجازهای هم متفاوت است که کاری به آنها نداریم. ولی اگر یک جایی لفظی استعمال شد، یک مراد استعمالی داشت و یک مراد جدی این مجاز محسوب نمی‌شود؛ مراد استعمالی زینت همین زینت‌های ظاهری است؛ مراد جدی مواضع زینت است که ما گفتیم بالملازمة بر آن دلالت می‌کند و مقصود اصلی آن است، این غیر از مجاز است. اینجا کسی نمی‌تواند بگوید مجاز است؛ این فرق می‌کند.

به هر حال در هر صورت این دو راه وجود دارد؛ یا بگوییم زینت به معنای همین زینت‌های مصنوعی ظاهری عرضی است، آن وقت بالملازمة بر مواضع زینت دلالت کند، یا بگوییم اراده استعمالی به زینت ظاهری تعلق گرفته اما مراد جدی مواضع زینت است. در هر دو صورت مسأله مجاز مطرح نیست.

روایت دوم

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا قَالَ الْخَاتَمُ وَالْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقَلْبُ».^۲ می‌گوید من از این آیه سؤال کردم که معنایش چیست. امام (ع) فرمود انگشتر و دستبند «و هي القلب»؛ یا در برخی روایات «سوار» هم آمده است. منظور از ما ظهر منها یعنی انگشتر و دستبند. آن وقت حالا اینکه دستبند کجا قرار بگیرد ولو اینکه بالاتر برود و بین مواضع السوار و ذراع هم جزء این قسمت است یا نه، این در روایت دیگر آمده است. فعلاً می‌خواهم این را بگویم که در این روایت هم این تفسیر شده به زینت ظاهری و زیورآلات.

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۱، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۳.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۱، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۴.

اینها روایاتی است که از آن به وضوح بدست می‌آید که منظور از زینت خود زینت‌های ظاهری است.

روایت سوم

لکن به غیر از اینها، روایات دیگری هم اینجا وجود دارد. در این روایات به معنای موضع الزینة آمده است. از جمله همین روایت فضیل: «عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الذَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ هُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» می‌گوید از امام صادق (ع) از ذراعین پرسیدم که آیا این ذراعین هم از زینتی که خداوند در آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» فرموده، می‌شود؟ «قَالَ نَعَمْ وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ وَمَا دُونَ السَّوَارِينِ»^۳، بله، ذراعین من الزینة است؛ ما دون الخمار هم من الزینة است و ما دون السوارین. در این روایت سؤال می‌کند آیا ذراعین من الزینة؟ امام (ع) نه تنها می‌گوید این زینت محسوب می‌شود بلکه می‌گوید ما دون الخمار و ما دون السوارین هم من الزینة.

ما در مورد این روایت به تفصیل قبلاً بحث کردیم؛ در بحث استثناء وجه و کفین عن النظر مفصل بحث کردیم و اگر بخواهم اینجا تکرار کنم طول می‌کشد که اصلاً ما دون الخمار و ما دون السوارین یعنی چه. ما دون الخمار یعنی مثلاً از سر به پایین؛ برخی به این روایت تمسک کرده‌اند که ما دون الخمار شامل صورت هم می‌شود و چون براساس این روایت باید ابداء نشود، بعد نتیجه گرفتند وجوب ستر وجه و کفین را. خود مرحوم آقای خویی به نوعی همین معنا را استفاده کرده است؛ یعنی حرمة الاظهار را استفاده کرده است. آن وقت ما دون السوارین یعنی چه. اینها بحث‌های زیادی دارد که قبلاً بیان کرده‌ایم؛ فعلاً با این جهت کار داریم که در این روایت تفسیر به زینت‌های ظاهری و مصنوعی و عرضی نشده است. وقتی بحث ما دون السوارین و ما دون الخمار و خود ذراعین مطرح می‌شود، این بیشتر ظهور در این دارد که مقصود موضع الزینة است؛ یعنی همان محل‌ها و اعضا.

روایت چهارم

یک روایت هم در قرب الاسناد از مسعدة بن زیادة آمده است: «عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرًا وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ». می‌گوید من از امام صادق (ع) در حالی که از ایشان سؤال شده بود که این چیزی که زن اظهار می‌کند پرسیدم، یعنی آن زینتی که جایز است اظهار کند، فرمود: «الوجه و الكفین»، دست و صورت. اینجا هم زینت اطلاق شده بر وجه و کفین.

روایت پنجم

یک روایت هم از ابی‌الجارود است که این را هم عرض کنم و بعد یک نتیجه‌ای بگیریم: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا فَهِيَ الثِّيَابُ وَالْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ وَ خِضَابُ الْكَفِّ وَ السَّوَارِ»، می‌گوید در مورد آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» امام (ع) فرمود لباس‌ها، سرمه، انگشتر، حنا و دستبند؛ یعنی کأن اینها زینت‌های ظاهری هستند. حالا اینکه به ثياب اطلاق زینت شود، این خودش محل بحث است و جای تأمل دارد. ولی سرمه، حنا، انگشتر، دستبند، اینها را به عنوان زینت گفته است. لکن در ادامه می‌فرماید: «وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثٌ: زِينَةُ لِلنَّاسِ وَ زِينَةُ لِلْمَحْرَمِ وَ زِينَةُ لِلزَّوْجِ، فَأَمَّا زِينَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا، وَأَمَّا

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۲۰، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۰۰، باب ۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱.

زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَالدَّمْلُجُ وَ مَا دُونَهُ وَالْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَ أَمَّا زَيْنَةُ لِلزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ»^۴.

البته قبلاً این روایت را خوانده‌ایم و توضیح داده‌ایم. در قسمت اول امام(ع) این آیه را معنا کرد که منظور از ما ظهر منها چیست. بعد در ادامه می‌فرماید ما سه قسم زینت داریم؛ زینت برای دیگران، زینت برای محارم و زینت برای زوج. زینت برای دیگران عبارت است از همین زینت‌های ظاهری، همین زیورآلات. زینت محرم موضع گردنبند و بالاتر از آن، بازوبند و ما دونه، و خلخال و پایین‌تر؛ یعنی مثلاً محارم از بازوبند به پایین را می‌توانند ببینند؛ از خلخال به پایین را می‌توانند ببینند؛ گردنبند به بالا را می‌توانند ببینند. اما زینتی که برای زن است، همه بدن است. لذا در این روایت هر دو جهت جمع شده است؛ اطلاق زینت بر زیورآلات. در قسم اول زینت اطلاق شده بر زیورآلات؛ اما در قسم دوم و سوم، زینت اطلاق شده بر موضع الزینة.

بررسی روایت پنجم

صرف نظر از اشکالی که در سند این روایت وجود دارد که بحث آن را قبلاً داشتیم و گفتیم که مشکل عمدتاً به ابی‌الجارود برمی‌گردد و اینکه این تنویع زینت و سه قسم کردن آن در این روایت، چه بسا کلام خود علی بن ابراهیم باشد و نه کلام امام(ع). این نحوه تعبیر که «و الزینة ثلاث» و بعد می‌گوید «فاما زينة الناس فقد ذكرناه...» این لسانی نیست که با تعبیر امام(ع) سازگاری داشته باشد. لذا بعید نیست که اساساً این قسمت کلام امام(ع) نباشد. لذا با صرف نظر از اشکال در سند روایت و با صرف نظر از این احتمال که اساساً این کلام امام(ع) نباشد، یعنی ما از اشکال سندی چشم‌پوشی کنیم و این قسمت را هم کلام امام(ع) بدانیم، باز اینجا همان نکته‌ای که ما گفتیم از این روایت قابل استفاده است که در مورد زینت مذکور در این آیه که به صراحت اطلاق شده بر زیورآلات، اگر در آن دو اطلاق شده به نحوی که موضع زینت را بر آن دلالت می‌کند، این همان اراده استعمالی و اراده جدی است که عرض کردم. یعنی اگر سخن از کحل، خاتم، خضاب و سوار است، این اراده استعمالی‌اش همین معنای زیورآلات ظاهری است، ولو به حسب واقع اراده جدی به موضع اینها تعلق گرفته است. و الا خود اینها بدون لحاظ قرار گرفتن بر آن موضع که ارزشی ندارد دیدن اینها.

سؤال:

استاد: در یک روایتی از ابن عباس هم نقل شده که اصلاً زینت ظاهره را به لباس تفسیر کرده؛ تازه قرینه می‌شود بر همین معنایی که ما می‌گوییم. ثیاب را که نمی‌شود حمل بر موضع کرد. می‌خواهم عرض کنم منظور از ثیاب هم یک لباس‌های خاصی است که جنبه تزیین داشته باشد. مثلاً بعضی از لباس‌ها هست که در حقیقت بیش از آنکه جنبه پوشاندگی آنها مدنظر باشد، جنبه تزیین آن مدنظر است. این هم تازه یک مشکل دیگر است.

لذا در این بخش این روشن است. آن وقت اگر در مورد آنها زینت محرم و زینت زوج تفسیر می‌شود به موضع زینت، این در واقع همان مراد جدی را بیان کرده که اینها باید از دیگران پوشیده بماند یا مثلاً این بخش‌ها می‌تواند ظاهر باشد و آن بخش‌ها پوشیده بماند. یعنی در این جهت می‌خواهم عرض کنم که این روایت یا اساساً از مجرای استشهاد ایشان می‌تواند خارج باشد یا اگر هم داخل باشد، به معنایی که ما می‌گوییم بیشتر دلالت دارد.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۱.

استاد: اتفاقاً می‌خواهم عرض کنم که مجموع اینها با یکدیگر به وضوح بر این مطلب دلالت می‌کند که اگر کحل و خاتم هم ذکر می‌شود، در واقع موضع منظور است؛ یعنی امام(ع) می‌خواهد بگوید این آیه در مقام بیان جواز اظهار این مواضع است. ذیل آن هم در آیه نیست؛ گفته آن مواردی که غیر ما ظهر است، آنها برای غیر محارم و غیر زوج جایز نیست آشکار کردن آنها. ... اینجا دیگر بحث آن اراده جدی را مطرح می‌کند می‌گوید آن چیزی که در آیه ذکر شده، زینت به معنای همین زیورآلات است. ... ثیاب بحث دیگری است؛ ... شما می‌گفتید ذیلش نمی‌شود حمل بر مراد جدی شود. ... یعنی زینة المحرم و زینة الزوج. ... زینة المحرم و زینة للزوج اینها جزء مستثنی منه نیست؛ مستثنی منه حرمة الکشف است یا لزوم الستر است؛ نهی می‌کند از کشف. این معلوم است که از کشف در مقابل محرم و کشف در مقابل زوج که نهی نمی‌کند. ... من می‌خواهم جمع کنم؛ یا به عنوان اراده استعمالی و جدی می‌گوییم این دو را بیان می‌کند یا در واقع همان دلالت مطابقی و مدلول التزامی‌اش را بیان می‌کند. مخصوصاً با قرینه‌ای که در ذیل آن آمده است. اگر قرینه نداشت، می‌گفتیم یعنی چه ...

پس این روایت می‌تواند همان تفسیری را که ما عرض کردیم، تأیید کند.

بررسی روایت چهارم

فقط آن روایت می‌ماند که زینت را بر وجه و کفین حمل کرد. آن روایت البته در قرب الاسناد آمده؛ سند آن ضعیف است و واقعاً نمی‌توانیم به این روایت تمسک و استناد کنیم. لذا مجموعاً اینکه ایشان می‌گویند روایات صریح است در اینکه منظور موضع الزینة است، اگر مقصودشان این است که ما می‌گوییم، یعنی مثلاً اراده جدی روی موضع الزینة است، درست است و ما هم همین حرف را می‌زنیم. ما می‌گوییم زینت به معنای ما تزین به المرأة است و در این معنا هم به کار رفته و در این معنا استعمال شده، لکن اراده جدی به موضع الزینة است. روایات را هم ملاحظه فرمودید که اگر منظور این است، این همان حرفی است که ما می‌زنیم؛ اینکه بگوییم به معنای ما تزین به المرأة نیست و منظور موضع الزینة است، از نظر استعمالی این حرف نیست، اما از نظر اراده جدی یا مدلول التزامی قطعاً همین است. یعنی به عبارت دیگر موضوع حکم همان موضع الزینة است. این اشکال اولی است که به حرف آقای خوبی می‌شود مطرح کرد.

بررسی روایت سوم

صحيحه فضيل را هم گفتیم که «عَنِ الدَّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ: أُهُمَا مِنَ الزَّيْنَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ، وَمَا دُونَ السُّوَارِيِّنَ»». اولاً این در مورد الا ما ظهر نیست، «لا یبیدین زینتھن» نهی می‌کند از ابداء زینت مگر برای شوهرانشان. اینجا به موضع زینت حمل شده است؛ یعنی زینت سؤال شده و امام(ع) هم فرموده ما دون الخمار و ما دون السوارین و ذراعین. اینجا باز به همان معنایی که عرض کردیم که زینت گفته شده، اطلاق هم شده، اینجا همان مراد جدی از زینت را حضرت بیان کرده است؛ منافاتی با آن ندارد. ما می‌گوییم در آیه زینت به همان معنای لغوی خودش به کار رفته است. یعنی زیورآلات و آنچه که زن با آن خودش را تزین می‌کند، مصنوعی یا عرضی، که شامل سرمه، حنا، دستبند، انگشتر و گردنبند و همه اینها می‌شود. ولی گفتیم روایاتی که به نوعی مبین این معناست که منظور از مراد جدی زینت، موضع الزینة است. این روایت هم خودش اتفاقاً دارد بیان می‌کند که موضوع حکم حرمت، مواضع الزینة است؛

این مراد جدی است. لذا منافاتی بین روایات نیست. زینت از نظر لغوی و عرفی استعمال شده در همان معنای خودش، یعنی ما تنزین به المرأة. ولی قطعاً مقصود این آیه یا به جهت ملازمه‌ای که بین زینت و موضع زینت است، یا به جهت اینکه آنچه اینجا مقصود است و در شرع مورد نظر است و مراد جدی شارع است، موضع زینت است. بنابراین منافات ندارد که وقتی سؤال می‌کند «عن الذراعین من المرأة»، می‌گوید سؤال از ذراعین از زن است؛ این آن زینتی است که از آن نهی شده؟ این معلوم است که نهی از خود زینت نمی‌شود؛ نهی شده از آن موضع و آن محلی که این زینت بر آن قرار گرفته است. بنابراین منافات ندارد با آن مسأله.

خلاصه اگر منظور مرحوم آقای خوئی این است که روایات صریح است در اینکه مقصود موضع زینت است، یعنی زینت در این معنا استعمال شده، این درست نیست. اگر منظور همان مراد جدی است، یعنی می‌خواهد بگوید مراد جدی آیه موضع زینت است، بله، این را قبول داریم.

دو مسأله دیگر در رابطه با کلام آقای خوئی باقی مانده که در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»